

بازار جهانی نفت در شوک تحولات ونزوئلا/ هژمونی اخیر آمریکا محصول مخازن نفتی است

تحلیلگر بین المللی بازار نفت و انرژی با بیان اینکه بازار جهانی نفت در شوک تحولات رخ داده در ونزوئلا است، گفت: راهبرد دولت ترامپ برای بازگرداندن صنایع انرژی بر به خاک آمریکا، نیازمند دسترسی گسترده و ارزان به منابع انرژی است. در این چارچوب تسلط آمریکا بر منابع انرژی ونزوئلا صرفاً به قیمت نفت مرتبط نیست، بلکه به توان رقابت شرکتها در بازار جهانی بازمیگردد.

به گزارش مشعل نیوز؛ فریدون برکشلی، با تحلیل وضعیت بازار جهانی نفت در سال گذشته میلادی و شرایط پیش آمده در آغاز سال جدید اظهار داشت: بازار جهانی نفت در سال ۲۰۲۵ با کمبود شوکها، بحرانها و رویدادهای غیرمنتظره مواجه نبود؛ از تنشهای ژئوپلیتیکی کمسابقه گرفته تا انتشار آمارها و گزارشهای متناقض درباره تولید، تقاضا، ذخیره سازی و نفتهای موسوم به «نفت سرگردان» در آبهای بین المللی. با این حال، آغاز سال ۲۰۲۶ نه با یک شوک، بلکه با نوعی حیرت همراه شد؛ عملیات نظامی ایالات متحده در ونزوئلا و دستگیری رئیسجمهور این کشور در کاراکاس.

وی افزود: در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۵، بازار جهانی نفت معاملات خود را با قیمتهایی بالاتر از ۸۰ دلار در هر بشکه آغاز کرد. بخش قابل توجهی از تحلیلگران انتظار تداوم افزایش قیمتها و حتی رسیدن به سطوح سهرقمی را داشتند. این انتظارات در فضایی شکل گرفت که اقتصاد جهانی با ابهامات گستردهای روبهرو بود.

برکشلی اظهارداشت: جهان سال ۲۰۲۵ را با سیاستهای تعرفه‌ای دولت ترامپ آغاز کرد؛ تعرفه‌هایی سنگین که عملاً نشانه‌ای از آغاز یک جنگ تجاری محسوب می‌شد. سیاست تعرفه‌ای ترامپ با این پیام همراه بود که آمریکا هم از جهان کمتر خرید خواهد کرد و هم کمتر صادر می‌کند و از طریق اعمال تعرفه‌ها تلاش خواهد کرد کشورهای طرف تجاری را به خرید بیشتر از آمریکا وادار کند.

تحلیلگر بازار نفت و انرژی گفت: بر اساس قواعد نظام تجارت جهانی و مقررات سازمان تجارت جهانی (WTO)، چنین اختلافاتی باید در چارچوب مذاکرات دوجانبه و در صورت لزوم در سازوکارهای این سازمان بررسی و حلوفصل شوند، اما ایالات متحده مسیر متفاوتی را برگزید و به صورت یکجانبه اقدام به وضع تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی کرد. این اقدام نخستین گام عملی دولت ترامپ برای عبور از نظم گلوبالیستی تلقی شد. نکته قابل توجه آن بود که سنگین‌ترین تعرفه‌ها متوجه کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، یعنی متحدان سنتی و اصلی آمریکا، شد.

وی خاطرنشان کرد: طرح این موضوع از آن‌رو اهمیت دارد که نشان می‌دهد ایالات متحده چگونه به چنین سطحی از اعتماد به نفس در سیاست خارجی دست یافته است. در یک جمله، این اعتماد ناشی از تبدیل آمریکا از یک واردکننده بزرگ نفت به یک صادرکننده بزرگ نفت است.

برکشلی ادامه داد: جهش نفت شیل باعث شد ایالات متحده پس از حدود هفت دهه، از یک واردکننده خالص به صادرکننده خالص نفت تبدیل شود. تولید نفت آمریکا در پایان سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۳.۷ میلیون بشکه در روز رسید که نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه آن مربوط به نفت شیل بود. از این رو، بخش عمده سیاست‌های هژمون‌محور کنونی آمریکا مستقیماً از دل مخازن نفتی این کشور نشأت می‌گیرد.

این تحلیلگر بازار نفت و انرژی گفت: قدرت نفتی آمریکا از ابتدای دهه سوم قرن بیستویکم به‌طور جدی نمایان شد. بخش مهمی از این موفقیت، محصول سیاست‌های دولت‌های دموکرات بوده و دولت ترامپ بیش از آنکه سازنده این قدرت باشد، نحوه بهره‌برداری از آن را در سیاست خارجی بازتعریف کرد.



درآمد اتحادیه اروپا از مالیات نفت بیش از کل درآمد اوپک است

وی اذعان داشت: یکی از نخستین اقدامات ترامپ، خروج دوافکتو از توافق پاریس در سال ۲۰۱۵ درباره تغییرات اقلیمی بود؛ اقدامی که عملاً این توافق را همانند سازمان تجارت جهانی از دستور کار نظم آتلانتیک شمالی خارج کرد. این تصمیم با استقبال ضمنی اعضای اوپک و اوپک پلاس همراه شد؛ کشورهایی که همواره از سوی اروپا به عنوان متهمان اصلی آلودگی محیط زیست تحت فشار قرار داشتند، حال آنکه درآمد مالیاتی اتحادیه اروپا از واردات و مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی از کل درآمد اوپک بیشتر است.

آنچه بر نفت ونزوئلا گذشت: از بزرگترین تولیدکننده اوپک تا روند کاهشی تولید

برکشی اضافه کرد: در چنین بستری، تحولات ونزوئلا جایگاه ویژه‌ای در تحلیل بازار جهانی نفت دارد. حمله به ونزوئلا در امتداد روندهای سال ۲۰۲۵ ارزیابی می‌شود و تاریخ سوم ژانویه ۲۰۲۶ تنها یک تاریخ تقویمی است. در نگاهی تاریخی، ونزوئلا تا اواسط دهه ۱۹۶۰ با تولید

روزانه ۳.۷ میلیون بشکه، بزرگ‌ترین تولیدکننده اوپک و حتی جلوتر از عربستان و ایران قرار داشت. با روی کار آمدن دولت‌های سوسیالیستی و اجرای سیاست‌های ملی‌سازی گسترده، تولید نفت این کشور متوقف و سپس وارد مسیر کاهش شد.

این تحلیلگر بازار نفت و انرژی گفت: اگرچه ونزوئلا از ذخایر عظیم نفتی برخوردار است، اما بخش عمده این ذخایر از نوع نفت بسیار سنگین است که استخراج، توسعه و پالایش آن هزینه‌بر و نیازمند فناوری پیشرفته است. نرخ بالای استهلاک و خوردگی در تأسیسات نفتی نیز از دیگر چالش‌ها محسوب می‌شود. با این وجود، ونزوئلا در گذشته از نیروی انسانی متخصص قابل توجهی برخوردار بود و کارشناسان این کشور حتی با ایران و دیگر اعضای اوپک همکاری داشتند.

وی خاطر نشان کرد: ایران نیز در بهره‌برداری از مخازن نفت بسیار سنگین خود در منطقه کوه‌موند از تخصص کارشناسان ونزوئلایی استفاده می‌کرد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، پیش از حضور گسترده شرکت‌های بین‌المللی، کارشناسان کشورهای عضو اوپک، به‌ویژه ایران و ونزوئلا، در صدر دانش فنی صنعت نفت قرار داشتند.

وی توضیح داد: در جریان اعتراضات گسترده ابتدای دهه ۲۰۰۰ و در سال‌های آغازین حکومت هوگو چاوز، پاکسازی وسیعی در صنعت نفت ونزوئلا انجام شد و حدود نیمی از کارشناسان ارشد و با تجربه این صنعت اخراج شدند؛ اقدامی که به‌طور عملی توان فنی و مدیریتی صنعت نفت این کشور را به‌شدت تضعیف کرد. در آن مقطع، کارشناسانی از ایران و برخی دیگر از کشورها به کمک دولت چاوز رفتند و به تثبیت موقعیت وی کمک کردند، اما صنعت نفت ونزوئلا هیچ‌گاه به سطح توان و اقتدار پیشین خود بازنگشت. نبود سرمایه‌گذاری مؤثر و فناوری مناسب باعث شد این صنعت دچار فرسایش شدید شود و جایگاه ونزوئلا در اوپک به تدریج تنزل یابد. همزمان، هزینه بالای پالایش نفت سنگین ونزوئلا دامنه مشتریان آن را محدود کرد.

برکشلی معتقد است که با این حال، گسترش تولید نفت شیل در آمریکا معادله را تغییر داد. نفت شیل بسیار سبک است و پالایش آن دشوار و پرهزینه بوده و تنها تعداد محدودی از پالایشگاه‌ها قابلیت پالایش آن را دارند. در این شرایط، نفت سنگین ونزوئلا و شیل آمریکا به‌عنوان دو منبع مکمل مطرح شدند و پالایشگاه‌های آمریکا برای متوازن‌سازی خوراک خود به نفت ونزوئلا نیاز پیدا کردند. به این ترتیب، بازآرایی اقتدار نفتی آمریکا مستلزم دسترسی به نفت سنگین ونزوئلا

تلقى می‌شود. اگرچه کانادا نیز تولیدکننده نفت بسیار سنگین در منطقه آلبرتا است، اما با توجه به سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ و برنامه بازگرداندن صنایع به داخل آمریکا، نقش کانادا در معادلات انرژی آمریکا به تدریج کمرنگ‌تر می‌شود.

این تحلیلگر بین المللی بازار نفت و انرژی گفت: در مورد حجم واقعی ذخایر نفتی ونزوئلا نیز تناقض‌هایی وجود دارد و برخی بر این باورند که بخشی از ارقام اعلامی، اغراق‌آمیز است. با این حال، حتی برآورد ۲۰۰ میلیارد بشکه نیز رقمی قابل توجه محسوب می‌شود و در افق‌های بلندمدت، تفاوت چندانی میان ارقام ۲۰۰، ۲۵۰ یا ۳۰۰ میلیارد بشکه وجود ندارد.

آمریکا نیازمند منابع انرژی ارزان برای بازگرداندن صنایع انرژی بر به خاک خود است

وی افزود: راهبرد دولت ترامپ برای بازگرداندن صنایع انرژی‌بر به خاک آمریکا، نیازمند دسترسی گسترده و ارزان به منابع انرژی است. در این چارچوب، ونزوئلا به عنوان بهترین و حتی تنها گزینه تأمین انرژی مطلوب آمریکا مطرح می‌شود. تسلط آمریکا بر منابع انرژی ونزوئلا صرفاً به قیمت نفت مرتبط نیست، بلکه به توان رقابت شرکت‌ها در بازار جهانی بازمی‌گردد. در این میان، مشکل اصلی واشنگتن نه شرایط قراردادی، بلکه ساختار سیاسی ونزوئلا و امکان ملی‌سازی در آینده است.

برکشلی یادآور شد: در سطح ژئوپلیتیکی، سیاست تحریم‌های آمریکا بخش مهمی از سیاست خارجی این کشور را تشکیل داده است. در سال ۲۰۲۵، حدود ۲۰ درصد از نفت جهان تحت تحریم قرار داشت؛ شامل نفت روسیه، ونزوئلا و ایران. این حجم از تحریم‌ها موجب شکل‌گیری ناوگان سایه و گسترش انتقال کشتی به کشتی شده و همزمان پایه‌های نظام پترودلار را با چالش مواجه کرده است. معاملات نفتی خارج از دلار، موقعیت ارز آمریکا را تضعیف می‌کند؛ موضوعی که برای واشنگتن اهمیت حیاتی دارد.

وی خاطر نشان کرد: ونزوئلا از پیشگامان حذف دلار از معاملات نفتی بود و دولت ترامپ به صراحت اعلام کرده است هر کشوری که خواهان خرید نفت ونزوئلا باشد، باید این موضوع را با آمریکا هماهنگ کرده و پرداخت‌ها را به دلار انجام دهد؛ پیامی که به طور مستقیم چین را هدف قرار می‌دهد.

این تحلیلگر بازار نفت و انرژی با بیان اینکه چین به عنوان خریدار روزانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه نفت ونزوئلا، بیشترین آسیب را از تحولات اخیر متحمل خواهد شد اعلام کرد؛ پالایشگاه‌های مستقل چین، بانک‌های استان شاندونگ با مطالبات چند میلیارد دلاری، شرکت ملی نفت چین (CNPC) با برداشت روزانه حدود ۱۱۰ هزار بشکه و سرمایه‌گذاران خرد چینی در زنجیره نفت ونزوئلا، همگی با عدم قطعیت مواجه شده‌اند. برآوردها از مجموع بدهی‌ها به بیش از ۱۰ میلیارد دلار حکایت دارد. واکنش رسمی پکن به این تحولات، لحنی ملایم داشته و هدف آن حفظ حقوق و منافع چین در ونزوئلا ارزیابی می‌شود.

وی اضافه کرد؛ در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز منفعی در ونزوئلا دارد. روابط اقتصادی ۲ کشور از اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز شده و در دهه‌های بعد توسعه یافته است. با وجود نبود اطلاعات شفاف از جزئیات این همکاری‌ها، ایران نیازمند پیگیری فعال و دیپلماسی دقیق برای صیانت از دارایی‌ها و منافع خود در ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای جنوبی است.

برکشلی اظهار داشت؛ یک روز پس از حمله آمریکا به کاراکاس، واشنگتن برنامه‌ای ۱۰ ماده‌ای برای احیا و توسعه صنعت نفت ونزوئلا ارائه کرد؛ برنامه‌ای که بر نقش شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا مانند شورون و هالیبرتون تکیه دارد و نشان می‌دهد این اقدام حاصل سال‌ها مطالعه و طراحی بوده است. این رویداد، نخستین حمله آمریکا به یک کشور آمریکای لاتین پس از عملیات نظامی علیه پاناما در اواخر دهه ۱۹۸۰ ارزیابی می‌شود؛ اقدامی که در زمان خود نیز غیرقابل تصور تلقی می‌شد.

به گفته وی در جریان عملیات اخیر، نیروهای محافظ رئیس‌جمهور ونزوئلا اغلب از اتباع کوبایی و روس بودند، اما واکنش عملی برای حمایت از وی نشان ندادند؛ موضوعی که گمانه‌زنی‌ها درباره اطلاع قبلی از این عملیات را تقویت کرده است.